

تحلیل تجربه زیسته فقرای شهری از طرد اجتماعی در بازار کار

مورد مطالعه: مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران^۱

عبدالرسول هاشمی*، مصطفی ازکیا**، سید یعقوب موسوی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۵

چکیده

طرد از بازار کار از مؤلفه‌های مهم طرد اجتماعی است و به ساختارهای اشاره دارد که موجب خروج افراد از بازار کار و گرفتاری در فقر مزمن می‌شود. هدف از مطالعه حاضر فهم تجربه زیسته فقرای شهری از علل مؤثر بر فقر است. روش تحقیق، گرنند تئوری و جامعه مورد مطالعه، شامل سرپرستان خانوارهای تهیدست شهری ساکن در مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ شهرداری تهران بوده است. نمونه‌گیری ابتدا به صورت هدفمند و تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. در نتیجه مقوله هسته‌ای با عنوان طرد اجتماعی از بازار کار ظاهر گردید. یافته‌های تحقیق بر اساس مدل پارادایمی پژوهش در پنج محور (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها) قرار گرفت. در این مقاله شرایط علی مقوله طرد از بازار کار مطرح می‌شود. شرایط علی بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان شامل چهار مقوله اصلی با عنوان‌های ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال است. بر اساس یافته‌ها بسیاری از فقرای شهری ساکن در مناطق مورد مطالعه پیشینه فقر روستایی داشتند که بارزترین وجه آن ضعف سرمایه‌های اقتصادی و انسانی است. همچنین شرایط اشتغال آنان در شهر بسیار متأثر از شرایط نامساعد اقتصادی (مانند: تحریم‌های اقتصادی، شیوع بیماری کرونا، مکانیزه شدن تولید و ارائه خدمات و حضور اتباع خارجی) و شرایط نامساعد اشتغال (مانند: آسیب‌پذیری جسمی، آسیب‌پذیری روانی، درآمد اندک، فقدان حمایت‌های اجتماعی و استثمار) بوده، به گونه‌ای که این شرایط منجر به تداوم فقر بین نسلی آنان شده است.

کلید واژه‌ها: فقر شهری، طرد اجتماعی، طرد از بازار کار، شهر تهران

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته فقرای شهری مناطق: ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

r.hashemi35@yahoo.com

mostafa_azkia@yahoo.com

y.mousavi91@alzahra.ac.ir

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

*** دانشیار جامعه‌شناسی شهری دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

موضوع فقر شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. فقر در این کشورها با فشار جمعیتی و درعین حال زیرساخت‌های و خدمات اجتماعی ناکافی توأم بوده است. در مقیاس جهانی، امروزه بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این روند در حال گسترش است، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود، تا سال ۲۰۵۰ بیش از دو برابر جمعیت فعلی شهرها (تقریباً ۷ نفر از ۱۰ نفر جمعیت جهان) در شهرها زندگی کنند. در این میان، حدود ۹۵ درصد توسعه شهری در دهه‌های آینده در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد سرعت ابعاد شهرنشینی مشکلات و چالش‌های زیادی را بوجود آورده است. مانند تقاضای روبه رشد مسکن، زیرساخت‌ها (سیستم حمل‌ونقل سریع و کارآمد)، اشتغال و کار برای تقریباً یک میلیارد نفر از فقرای شهری که در اقامتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. این افراد برای اینکه نزدیک به فرصت‌های شغلی باشند ناچار به زندگی در حاشیه شهرها هستند (worldbank, 2020). در مورد ایران، بررسی روند شهرنشینی بر مبنای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در کشور است. چنانکه سهم جمعیت شهرنشین کشور طی روندی مستمر از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است در حالی که جمعیت روستانشین از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ با به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۱۲).

تهران شهر نابرابری‌ها است و اختلاف زیادی در میزان توسعه‌یافتگی بین مناطق دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین درجه توسعه‌یافتگی به منطقه ۳ و کمترین به منطقه ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ تعلق داشته است. از این منظر چند مشخصه اساسی در سطح خانوارها و محلات می‌توان مشاهده کرد که عبارت‌اند از تراکم فقر در سطح محله‌های واقع در مناطق جنوب و شرقی و مرکزی در مقابل تراکم ثروت و رفاه در مناطق شمالی و غربی (صادقی و رنجبری، ۱۳۹۶: ۱۴۹). پیشینه مطالعات فقر در شهر تهران نشان می‌دهد که این شهر مقصد مهاجرت گروه‌های با پایگاه اقتصادی و اجتماعی متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر

بوده است و همان‌طور که گروه‌های ثروتمند در مناطق مرفه اقامت گزیده‌اند، فقیرترین گروه‌ها نیز در مناطق حاشیه‌ای و عمدتاً در جنوب شهر تهران اسکان یافته‌اند.

بنابراین نوع اسکان مهاجران با توجه در مناطق شهر تهران با توجه به خواستگاه اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. در این زمینه برخی مطالعات نشان می‌دهد که مناطق عمدتاً جنوبی شهر مانند مناطق (۱۸-۱۷-۱۹) بیشترین درصد مهاجران کم‌درآمد روستایی را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل بیشترین درصد مهاجران شهری با حدود ۸۴ درصد به مناطق توسعه‌یافته‌تر مانند ۶-۱۴-۵ و ۲ وارد شده‌اند (زارع، ۱۳۸۹: ۲۶). همچنین داده‌های آماری نشان می‌دهد، طی دهه‌های گذشته شکل‌گیری جمعیت در استان تهران متأثر از اسکان غیررسمی گروه‌های کم‌درآمد و استقرار بی‌رویه و پراکنده فعالیت در اراضی حاشیه‌ای و اطراف آبادی‌ها و شهرها و راه‌های اصلی منطقه بوده است (فتحی، ۱۳۹۷: ۳۲).

در تحقیق حاضر مناطق ۱۷-۱۸ و ۱۹ واقع در جنوب و جنوب غرب شهر تهران به‌عنوان مکان مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب این مناطق میزان کمتر توسعه‌یافتگی و فقر بیشتر در مقایسه با مناطق مرفه‌تر است. بر اساس مطالعات پیشین، این مناطق از جمله مناطقی هستند که بیشتری فقرای شهری را در خود جای داده‌اند منطقه ۱۷ شهری تهران با جمعیت ۲۷۸۳۵۴ نفر و مساحت ۸/۲۲ کیلومتر مربع متراکم‌ترین منطقه شهر تهران لقب گرفته است. این منطقه از سه ناحیه و ۱۴ محله تشکیل شده و درصد بافت فرسوده آن حدود یک‌چهارم کل مساحت آن است. همچنین ۵۰ درصد بناها موجود در آن دارای بافت ناپایدار است. این منطقه طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی حدود ۴۱۹۲۴۹ نفر و مساحت آن ۸۸/۱۸ کیلومتر مربع است که از ۷ ناحیه و ۱۸ محله تشکیل شده است.

هسته اولیه منطقه ۱۸، روستایی به نام یافت‌آباد بوده که با گسترش مهاجرت‌ها، توسعه و رشد یافته است. بنابراین اغلب کاربری‌های آن قبل از توسعه شهری، کشاورزی بوده است و به دلیل موقعیت مناسب به‌عنوان مدخل شهر تهران و قیمت پائین اراضی،

مهاجران کم‌درآمد را به خود جذب کرده است و دارای بافت مسکونی پرتراکم، ریزدانه و با معابر دسترسی کم‌عرض شکل است. منطقه ۱۹ شهرداری تهران نیز با مساحت حدود ۸۹ هزار کیلومترمربع حدود ۲۹۵ هزار نفر جمعیت دارد و دارای ۵ ناحیه و ۱۳ محله است. از جمله اماکن شاخص منطقه نیز می‌توان به کوره‌های آجرپزی، میدان تره‌بار مرکزی شهر تهران و بهشت‌زهرا و مرقد مطهر امام راحل (ره) و مرکز خرید و فروش همگانی خودرو اشاره کرد (پورتال مناطق شهرداری تهران، ۱۳۹۹).

با توجه به مهاجرت‌پذیری شهر تهران و در این میان مهاجرت گروه‌های فقیر روستایی، مسئله ادغام اجتماعی گروه‌های مهاجر در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و کار و اشتغال از عوامل اصلی ادغام است. در چند دهه گذشته به دلیل مهاجرت بی‌رویه و بی‌قاعده، تعادل نظام شهری به هم خورده است. بی‌توجهی به موضوع توسعه متوازن، باعث شده که هر سال افراد زیادی از مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور در جستجوی کار به تهران وارد شوند. بسیاری از این افراد در بخش‌های خدماتی و کم‌بازده و موقت و غیررسمی اشتغال یافته‌اند و درعین حال بسیاری دیگر نیز در تکاپوی کار مناسب انواع طرد اجتماعی را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند.

مفهوم طرد اجتماعی برای نشان دادن عدم ادغام اجتماعی کسانی که از شبکه حمایت اجتماعی خارج شده‌اند و کسانی که تحت تأثیر بیکاری طولانی‌مدت قرار گرفته‌اند بکار برده می‌شود. این مفهوم به وضعیتی نامساعد و چندوجهی شامل در حاشیه قرار گرفتن در بازار کار، فقر و انزوای اجتماعی اطلاق می‌شود. این ابعاد مختلف همدیگر را تقویت می‌کنند و به چرخه‌ای از وخامت و زوال بیشتر موقعیت بازار کار و مردم منجر می‌شود. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چه عوامل و زمینه‌هایی موجب عدم ادغام و طرد اجتماعی افراد از بازار کار را می‌شود

هدف مطالعه حاضر فهم تجربه زیسته فقرای شهری از علل و عوامل مؤثر بر فقر آنان و در این میان طرد از بازار کار و در نهایت ارائه نظریه‌ای بر مبنای داده‌های بدست آمده از میدان تحقیق بوده است. محققان در مواجهه با جامعه مورد مطالعه به این واقعیت مواجه

شدند که بسیاری از فقرای ساکن در محلات مورد مطالعه در گذشته دور و نزدیک از زادگاه خود به منظور یافتن کار و امرامعاش به تهران مهاجرت کرده‌اند، اما این افراد با مشکل عدم جذب در بازار کار مواجه بوده‌اند و این عامل موجب فقر مزمن آنان شده است. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چه علل و عواملی بر طرد آنان از بازار کار مؤثر بوده است و چه راهبردهایی برای مقابله با آن اتخاذ کرده و به چه نتایجی دست یافته‌اند؟

چارچوب مفهومی

رویکردهای نظری به مسئله فقر شهری در یک تقسیم‌بندی کلی در دو طیف قرار می‌گیرند. دیدگاه اول ریشه در فردگرایی بازار آزاد و مشروعیت و توجیه نابرابری و تبعیض در جوامع دارد. نظریه کارکردگرایی ساختاری در جامعه‌شناسی، مکتب نوسازی در مباحث توسعه و نظریات اقتصاددانان لیبرالیستی و نولیبرالیستی در این دسته از نظریات قرار دارند. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مرتبط با این دیدگاه عبارت است از تسهیل زمینه‌های سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی، تا اینکه به تدریج مواهب رشد اقتصادی به گروه‌های محروم نیز سرایت کرده و از مزایای آن برخوردار شوند.

همچنین تقویت وجه نظرهای ملازم با توسعه در سطوح فردی و تقویت شهرگرایی و گسترش رسانه‌ها و ارتباطات، تکثر و تمایزات ساختاری، افزایش صنعتی شدن و شهرنشینی برای گذار به مرحله توسعه‌یافتگی از جمله اهداف این سیاست‌گذاری‌ها است. در این چارچوب، نظریه معروف خرده‌فرهنگ فقر اسکار لوئیس مطرح می‌شود. لوئیس کوشیده است فقر را از جنبه فرهنگی و مردم‌شناختی مطالعه کند (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۵). به نظر وی تداوم عدم دسترسی به منابع برای مدت‌زمان طولانی منجر به تغییر پایدار در رفتارها و هنجارهای اجتماعی و امیال و آرزوهای فقرا شده و در نتیجه به فرهنگ فقر منجر می‌شود. لذا تلاش برای گسست از زمینه‌های فرهنگی ملازم با فقر پیشنهاد می‌شود.

دیدگاه دوم، بخشی با الهام از مکتب مارکسیسم و بخشی ارتباط نزدیکی با توسعه‌گرایی و سنت نیازهای اساسی دارد (Wratten, 1995: 26). نسخه‌های

خط‌مشی‌گذاری آن شامل نقش مداخله‌گر دولت در ارتقاء و برابری و تحلیل فقر به‌عنوان ساختار اجتماعی به‌جای مسئله شخصی و توزیع دارایی‌ها و اموال و قدرت در مقیاس بین‌المللی و ملی و منطقه‌ای، اجتماع، خانواده و سطوح درون خانواده است. دیدگاه‌های تحت عنوان مکتب وابستگی و اقتصاد سیاسی و اقتصاد نهادگرایی در این دسته نظریات قرار دارند.

در این دسته نظریات، نابرابری و فقر ناشی از ویژگی‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی است و راه‌حل آن تغییرات ساختاری در اقتصاد و جامعه به‌منظور بازتوزیع قدرت و ثروت در همه سطوح جهانی، منطقه‌ای، محلی و خانواده و حتی فردی است. در این دیدگاه فقر و محرومیت نه تنها محصول اراده و اختیار افراد نیست بلکه بر آنها تحمیل می‌شود. در این چارچوب نظریه یا الگوی حاشیه‌نشینی شهری مطرح شده است. نویسندگان عمدتاً چپ‌گرا کوشیده‌اند فرایند شهری را با مکتب اقتصاد سیاسی پیوند دهند. این دیدگاه روابط میان سرمایه‌داری جهانی و توسعه و تغییرات شهری را در کشورهای مختلف بررسی می‌کند (گیلبرت، ۱۳۷۵: ۷۰).

هر دو رویکرد در نظریه جامعه‌شناسی در سطح کلان مطرح می‌شوند و ساخت محور هستند به این معنی که در تبیین هر پدیده اجتماعی مانند فقر، آن را به ساخت‌های گسترده‌تر ارجاع می‌دهند و در جدال عاملیت و ساختار نقش اصلی و محوری را به ساختار می‌دهند. در حالی که در نظریه‌های متأخرتر مانند سرمایه اجتماعی و طرد اجتماعی تلاش شده است، این ابعاد با یکدیگر تلفیق شوند و ابعاد خرد و کلان توأماً دیده شوند. همچنین در کنار دو رویکرد کارکردگرا و تضادگرا نظریه کنش متقابل نمادین تلاش دارد، تا افراد را مبنای تحلیل جامعه قرار دهد. رویکرد کنش متقابل نمادین در جامعه‌شناسی توسط مکتب شیکاگو در مطالعات شهری به کار گرفته شده است و مطالعات فرهنگی از ویژگی‌های بارز آن است.

مفهوم طرد اجتماعی جایگاه مهمی در تحقیقات و سیاست اجتماعی داشته است. از اوایل دهه ۱۹۸۰ و در پی گسترش جهانی‌شدن و تحولات بازار کار، نظام سرمایه‌داری با

انواع جدیدی از قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ابعاد فراملیتی همراه شد. افزایش بیکاری و گسترش فقر موجب شد تا مفهوم طرد اجتماعی به طور گسترده تری برای تحلیل فرایندهای فروپاشی و شرایط ناامنی اجتماعی به کار گرفته شود. در این دوره مسئله فقر صرفاً معطوف به حاشیه‌ها مانند افراد ناتوان یا کسانی که از هنجارهای اجتماعی فاصله گرفته‌اند، نبوده بلکه با مسائلی چندبعدی چون مخاطرات شغلی، بیکاری، تزلزل و بی‌ثباتی و فروپاشی شبکه‌های خانوادگی، از دست دادن موقعیت اجتماعی، فروپاشی ساختار اجتماعی و از دست رفتن ارزش‌های جمعی همراه بوده است (غفاری و امید، ۱۳۸۹: ۴۱).

محققان ریشه این مفهوم را در آثار نویسندگان مختلف دانسته‌اند: از جمله هیلاری سیلور لیست بلند بالایی از جامعه‌شناسانی که بر توسعه این مفهوم تأثیر داشته‌اند برمی‌شمارد. از جمله مارکس، دورکیم، وبر، زیمل، الیاس و گافمن (Nowosielski, 2012: 370). در نظریه مارکس ماهیت کار در جوامع سرمایه‌داری به دلیل تجزیه آن به اجزاء و تقسیم کار تخصصی و محدود کردن کارگران به جنبه‌هایی از تولید بیگانه‌کننده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹۷) بدین ترتیب، طرد اجتماعی در چارچوب مفهوم از خود بیگانگی قرار می‌گیرد.

گیدنز با الهام از مارکس معتقد است، نهاد اقتصادی از طریق ارزش افزوده و استثمار، جامعه را به طبقات اقتصادی مبتنی بر شغل و درآمد تقسیم می‌کند. به لحاظ اجتماعی مطرود یعنی بیکار یا دارای مشاغل پاره‌وقت و موقت. وی از اصطلاح طرد اجتماعی به طور وسیعی برای اشاره به وضعیت گروه‌هایی که در قسمت زیرین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (زیر طبقه) قرار دارند، استفاده می‌کند (Giddens, 2007: 1018).

کاستلز طرد اجتماعی را فرایندی می‌داند که افراد و گروه‌ها به طور سیستماتیک از معیارهای زندگی معمول و مستقل در هر جامعه محروم می‌شوند. در سرمایه‌داری اطلاعاتی طرد اجتماعی فرایندی است که حق انتخاب کار از افراد سلب می‌شود. طرد و محرومیت به گروه‌هایی منتسب می‌شود که به هر دلیل توسط جریان اصلی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به فراموشی سپرده شده‌اند، یا مورد تبعیض و غضب قرار گرفته‌اند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۹۳).

امارتیا سن طرد اجتماعی را به شکست در کسب سطوحی از قابلیت افراد نسب می‌دهد (Sen, 2000: 3). با این تعریف طرد بخشی از فقر قابلیت و مؤلفه ذاتی و اساسی فقر است که به ناکامی ساختاری به دیگر قابلیت‌ها منجر می‌شود. سیلور ضمن پرداختن به رابطه فقر مزمن و طرد معتقد است، طرد اجتماعی در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد و ی سه سطح خرد (فردی)، میانی (گروهی) و کلان (ملی و حتی بین‌المللی) را ذکر می‌کند. در سطح خرد نشان می‌دهد که چگونه حوادث زندگی یا تغییرات تاریخی باعث طرد می‌شوند. در سطح میانه بر گروه‌ها تأکید می‌شود اینکه چگونه ترسیم تمایزها و مرزهای اجتماعی منجر به طرد برخی گروه‌ها می‌شود. در سطح کلان، درک ملی و گستره مفهوم طرد اجتماعی و همچنین معرف آن در کشورهای مختلف متفاوت است (Silver, 2007: 124).

به‌طور کلی دو نوع تعریف برای توصیف طرد اجتماعی مطرح می‌شود. نخست؛ تعریف نسبتاً تقلیل‌گرایانه که خیلی به مفهوم فقر نسبی تاوسند نزدیک است. به معنی فقدان منابع مادی و محروم بودن از الگوهای رایج فعالیت‌ها و رسوم متداول زندگی و دوم، معنی گسترده‌تر که نه تنها فقر را شامل می‌شود بلکه ویژگی‌های دیگر از جمله نژاد، ملیت، قومیت، سن و جنس و جنسیت و بی‌قدرتی را در برمی‌گیرد. هر یک از این ویژگی‌ها سبب می‌شود که فرد یا گروهی به‌درستی در ساختار اجتماعی ننگبند و منجر به فقر شود. بنابراین مفهوم طرد اجتماعی به معنی ازهم‌گسیختگی پیوند اجتماعی است و به روند کاهش مشارکت و همبستگی اجتماعی و دسترسی افراد و گروه‌ها اشاره دارد.

در مقایسه مفهوم فقر و طرد باید گفت طرد اجتماعی مفهومی چندوجهی و فراتر از ابعاد مادی و اقتصادی است و بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند طرد از حقوق شهروندی، طرد از مشارکت در زندگی اجتماعی و طرد جنسیتی اشاره دارد. روند طرد و محرومیت در جوامع پیچیده است و در کنار طرد از طرف دیگران خود مطرود سازی نیز وجود دارد انگ فقر سبب می‌شود که فقرا از زندگی اجتماعی خود را کنار بکشند. داغ فقر هنگامی بیشتر احساس می‌شود که فقرا به دلیل ناتوانی در تهیه مایحتاج خود مانند خرید هدایا در مراسم و اعیاد و مهمانی‌ها شرکت

نمی‌کنند (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹۲). بر این اساس فقر نیز خود عامل طرد اجتماعی می‌شود و عوامل اجتماعی و اقتصادی در چرخه انزوا و بی‌قدرتی همدیگر را تقویت می‌کنند. علل فقر و مطرودیت متعدد است و فراتر از فقر اقتصادی است و به مجموعه عوامل و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد.

با توجه به مطالب گفته‌شده، طرد از بازار کار یکی از مؤلفه‌های اصلی طرد اجتماعی است که رابطه نزدیکی با فقر اقتصادی و اجتماعی دارد. طرد از بازار کار مفهومی رابطه‌ای و ساختارمند است می‌توان آن را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان مطرح کرد. در سطح خرد، به کنش‌های عاملان در بازار کار، در سطح میانی، به روابط کار بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی و در سطح کلان به ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منجر به خروج افراد از بازار کار می‌شود. در مجموع با توجه به تعاریف و توصیفات بیان‌شده، طرد از بازار کار شامل تمام فرایندها شرایط و عواملی است که منجر به خروج افراد از بازار کار و بیکاری یا کار غیر مؤثر می‌شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص فقر شهری تحقیقات متعددی انجام شده است. راکودی^۱ این بحث را پیش کشید که برنامه‌ریزان شهری فهم اندکی درباره زندگی فقرای شهری دارند و در نتیجه برنامه‌ها و سیاست‌های شهری به‌طور عمومی ارتباط اندکی با وضعیتی که فقرا با آن مواجه‌اند، دارد و ممکن است وضعیت آن‌ها را بدتر کند.

لی اسمیت^۲ این بحث را طرح نمود که نجبگان حاکم علاقه‌مند به ادامه ممانعت از دسترسی فقرای شهری به زمین هستند. زیرا کنترل زمین‌ها منابع پول نقد و حمایت سیاسی را برای آنان فراهم می‌کند. این موضوع احتمالاً باعث تقویت ایدئولوژی رسمی و حفظ

^۱ Rakodi

^۲ Lee Smith

معیارهای ساختمان‌های بلندمرتبه و اطمینان از این‌که تولیدات ساختمان‌های کوچک در بخش غیررسمی باقی بماند.

کاستلز^۱ استدلال می‌کند که دولت با یارانه دادن به هزینه بازتولید نیروی کار نقش اصلی را در میانجیگری منافع طبقاتی در مناطق شهری ایفا می‌کند و زمانی که دولت به نفع فقرا مداخله می‌کند خروج از این کمک‌ها ویرانگر است. حذف یارانه‌های دولتی بر مواد غذایی اساسی به میزان زیادی آسیب‌پذیری خانواده‌های فقیر را در آفریقا افزایش داده است و موجب افزایش سریع قیمت‌ها شده است و درآمد واقعی آنها کاهش یافته است. برای مثال اکثر خانوارهای کم‌درآمد در شهر لوکازا رژیم غذایی‌شان را تغییر داده‌اند (Wratten, 1995: 24).

آمیس نیز معتقد است مباحث فقر شهری با تمرکز بر مسئله شهرنشینی، از یک نکته مهم غفلت می‌کنند و آن فرایند پرولتاریا سازی یا میزان وابستگی معاش افراد به دستمزد نقد است. به عبارت دیگر، این مسئله آن‌چنان‌که به سرمایه‌داری مرتبط است، چندان مشخصاً شهری تلقی نمی‌شود و می‌تواند به‌طور بالقوه در اقتصادهای روستایی هم شناسایی شود (Amis, 1995: 147).

برخی محققانی نیز مانند کائن (۱۹۶۸) به جدایی‌گزینی سکونت همراه با سایر نیروهای اقتصادی توجه کرده‌اند که موجب طرد و انزوای ساکنان محلات و بروز بیکاری مزمن شده است. از این‌رو جداسازی مکانی منبع فقر پایدار و عدم دسترسی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و فقر بین نسلی است.

همچنین ویلسون (۱۹۷۸) با طرح مفهوم زیرطبقه ۲ به نقش فرایندهای اجتماعی در ایجاد نواحی فقیرنشین نشان داد که ساکنان این مناطق طرد و محرومیت چندگانه را تجربه می‌کنند (Wolf, 2007: 62).

^۱ Castells

در داخل کشور، تحقیقات فقر شهری نسبت به فقر روستایی سابقه کمتری دارد. در این میان رشته مطالعاتی توسط پیران در قالب تک‌نگاری در زمینه آلونک‌نشینی در تهران انجام شده است (پیران، ۱۳۶۶: ۴۶). وی ضمن توصیف ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آلونک‌نشین‌ها و حلی‌آبادهای شهر تهران، فقر شهری را ناشی از توسعه برون‌زا و تحمیلی کشور می‌داند که منجر به ادغام اقتصاد و جامعه ایران در نظام سرمایه‌داری شده است. به نظر پیران در میان چارچوب‌های نظری، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا برای تحلیل شرایط جهان سوم و از جمله ایران کارایی بیشتری دارد (پیران، ۱۳۷۶: ۳۱). جواهری پور مطالعه‌ای را در محله خاک سفید شهر تهران باهدف بررسی شکل‌گیری و روند تحول این محله به‌مثابه بازار غیررسمی زمین و مسکن و همچنین تحلیل حق به شهر در محله‌های فرودست شهری با روش اسنادی انجام داده است. از دیدگاه محقق این محلات که با عنوان محله‌های فرودست شهری از آن‌ها نام‌برده می‌شود، تحت تأثیر توأمان شهری شدن فقر و سیاست‌های ناکارآمد توسعه شهری شکل گرفته‌اند (جواهری پور، ۱۳۹۴: ۱۶).

صادقی روایت تهیدستان شهری را با روش مردم‌نگارانه مطالعه کرده است. هدف از این تحقیق، شناخت سیاست زندگی روزمره مردمان عادی در مواجهه با محروم‌سازی‌های نولیبرالیستی در قلمرو معیشت کار و مسکن عنوان شده است، بر اساس این مطالعه، گرچه نولیبرالیسم و نیروهای بازار عرصه‌هایی را برای فقرای شهری تنگ کرده است، اما برخی زمینه‌هایی نیز برای عرضه اندام و پیشروی آرام آنها مهیا نموده و قلمروهای بی‌بدیلی برای تهیدستان شکل گرفته است (صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۵).

حمیدیان مطالعه‌ای را در زمینه طرد اجتماعی گروه‌های مهاجر شهر اصفهان با تأکید بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی با روش کمی و کیفی در مناطق شهر اصفهان به انجام رسانده است که نشان می‌دهد مهاجران خارجی در مقایسه با مهاجران داخلی طرد بیشتری را تجربه می‌کنند و بین متغیرهایی مانند هویت قومی و مکانی مهاجران و تبعیض اجتماعی، دسترسی به منابع و طرد اجتماعی رابطه قوی وجود دارد (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری عنوان پژوهشی بوده که با روش گزندتئوری در مورد زنان فقیر شهری صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش ۵ مقوله عمده در شکل‌گیری طرد اجتماعی زنان فقیر شهری نقش داشته‌اند که عبارت بودند از: ضعف سرمایه فرهنگی، محدودیت‌های مادی، رویکرد منفی به فقرا، طرد ناشی از تجرد و حوادث منفی زندگی و مقوله نهایی به‌عنوان شکست هنجار- پیوند استخراج‌شده است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹۱).

شالچی و قلی‌پور نیز پژوهشی با عنوان تجربه طرد زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی محله اسلام‌آباد تهران با روش کیفی تحلیل تماتیک انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اغلب زنان ساکن در این محله از داشتن روابط بین گروهی و فرامحلی محروم هستند و به دلیل سبک سنتی زندگی از داشتن مهارت و اشتغال برخوردار نبوده و زیست وابسته را تجربه می‌کنند. همچنین تجربه اندکی از محیط شهری تهران دارند (شالچی و قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۱).

در مجموع با مروری بر تحقیقات انجام‌شده در زمینه طرد اجتماعی تهیدستان شهری، چند ویژگی مشاهده می‌شود. نخست، مطالعات متعددی در زمینه گروه‌های خاص به‌ویژه زنان با محوریت طرد جنسیتی انجام‌شده که اغلب زیست اجتماعی گروه‌های مطرود را در ابعاد کلی مطالعه نموده‌اند و به ابعاد خاص طردشدگی کمتر توجه شده است. همچنین وجه ساختاری فقر و طرد اجتماعی و تأثیر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر گروه‌های حاشیه‌ای، کمتر مطالعه شده است.

در خصوص مطالعات کیفی در زمینه طرد فقرای شهری از بازار کار، نیز با مرور بر پیشینه تحقیقات، پیشینه‌ای مشاهده نشده است. در زمینه اشتغال فقرای شهری بخش عمده‌ای از تحقیقات در حوزه‌های علم اقتصاد انجام‌شده که این تحقیقات نیز با روش‌های کمی و با استناد به آمار و ارقام رسمی است. از این رو لازم است، مطالعات کیفی در زمینه‌های خاص فقر و طرد اجتماعی از جمله طرد از بازار کار تقویت شود. مطالعه حاضر

تلاشی است در جهت رفع این خلأ تحقیقاتی و کسب شناخت عمیق تر و جامع تر از تجربه زیسته فقرای شهری.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر، روش نظریه زمینه‌ای است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا عوض اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها بر اساس داده‌های واقعی اقدام کند (از کیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۰). تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها شامل روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم، یادداشت نویسی، ضبط داده‌ها و استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته بوده است. دلیل استفاده از روش کیفی در مطالعه حاضر همانا کسب شناخت عمیق تر و جامع تر از موضوع مورد مطالعه بوده است.

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق سرپرستان خانوارهای تهیدست ساکن در مناطق شهری ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ در نظر گرفته شده‌اند روش نمونه‌گیری بکاررفته ابتدا به صورت هدفمند بوده است. به این معنی که سرپرستان خانوارهایی که در شرایط فقر معیشتی بودند و تجربه بیکاری طولانی مدت داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. در ادامه نمونه‌گیری نظری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. به منظور انجام مصاحبه ابتدا با مراجعه به معاونت‌های فرهنگی و اجتماعی مناطق شهرداری تهران، از هر منطقه سه محله که کمترین میزان توسعه‌یافتگی داشتند، مشخص شدند. سپس با حضور محقق در میدان تحقیق و مراجعه به اهالی و فعالان محل مانند کسبه، متولیان مساجد و مؤسسات خیریه، افراد واجد شرایط شناسایی و با کسب موافقت آنان اقدام به مصاحبه گردید.

مکان مصاحبه یا در منازل مصاحبه‌شوندگان و یا در سرای محلات شهرداری تهران و در مؤسسات خیریه بوده است. برای انتخاب نمونه‌ای که معرف جامعه مورد مطالعه باشد، تلاش شد، حتی‌الامکان ترکیبی از شرایط سنی، جنسی، شغلی و تحصیلی و محل سکونت

در محله‌های شهری لحاظ شود. همچنین با توجه به محدودیت‌های ناشی از کرونا، مصاحبه‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی انجام شد.

پس از انجام هر مصاحبه و یادداشت‌برداری از میدان تحقیق، نسبت به تنظیم یادداشت‌ها و نگارش محتوای مصاحبه‌ها اقدام شد. به منظور کدگذاری باز، ابتدا محتوای مصاحبه‌ها چند بار مطالعه و بازبینی شد و مفاهیم به صورت جزء به جزء مشخص شدند. همچنین یادداشت‌های تحلیلی پس از هر مصاحبه ارائه شد. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط مقولات و خرده مقولات در چارچوب مدل پارادایمی (شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) با یکدیگر برقرار شد و سرانجام مقوله اصلی و مرکزی پژوهش که همان طرد اجتماعی از بازار کار باشد در مرحله کدگذاری گزینشی پدیدار گردید. این مقوله به گونه‌ای بود که تمام مقولات و زیرمقولات و مفاهیم را پوشش می‌داد.

برای اطمینان از قابلیت اعتماد از سه تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شده است که عبارت‌اند از: نخست، کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آنها نظر دهند؛ دوم، مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی گردد؛ سوم، استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه، چند متخصص (استادان) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. در خصوص رعایت اصول اخلاقی در پژوهش نیز ابتدا هدف و نحوه تحقیق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با کسب رضایت از آنان برای شرکت در پژوهش اقدام به مصاحبه گردید در مورد ضبط محتوای مصاحبه‌ها با اطلاع و موافقت مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط گردید و اصل محرمانه بودن اطلاعات رعایت شد.

یافته‌های تحقیق

مشخصات مشارکت‌کنندگان

در مجموع ۳۷ نفر از افراد واجد شرایط تا رسیدن با اشباع نظری در تحقیق مشارکت کردند. ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان در جدول ذیل آورده شده است. لازم به ذکر است مشارکت‌کنندگان در زمان تحقیق یا بیکار بوده و یا مشاغل پاره‌وقت و موقتی داشته‌اند و شرایط بیکاری را تجربه می‌کردند.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان

جنسیت	زن	مرد	اشتغال	بیکار	شاغل موقت
	۲۱	۱۶		۱۴	۲۳
سن	۲۰-۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۵۱-۶۰ سال	۶۱ و بیشتر
	۴	۸	۱۱	۹	۵
تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	لیسانس
	۷	۹	۱۱	۸	۲
مدت اقامت	کمتر از ۵ سال	۶ تا ۱۵ سال	۱۶ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ و بیشتر
	۵	۱۲	۹	۷	۴

مفاهیم و مقولات

طرد اجتماعی از بازار کار بر اساس مدل پارادایمی حاصل از تحقیق در چند محور تنظیم شده که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای است. آنچه در این مبحث می‌آید شرایط علی است. شرایط علی و سبب‌ساز به آن دسته از رویدادها و وقایعی گفته می‌شود که مستقیماً بر پدیده موردنظر تأثیر می‌گذارند. این شرایط بر اساس آنچه مشارکت‌کنندگان مطرح کرده‌اند، شامل چهار مقوله اصلی می‌شود که عبارت‌اند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، مخاطرات و شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال. این مقولات خود دارای زیر مقولات و مفاهیم متعددی هستند که در جدول زیر بیان می‌شود.

جدول ۲- مفاهیم، خرده مقولات و مقولات اصلی طرد اجتماعی از بازار کار

مقوله هسته‌ای	مقولات اصلی	مفاهیم و خرده مقولات
طرد از بازار کار	ضعف سرمایه اقتصادی	سرمایه مالی (پول نقد، پس‌انداز)، سرمایه‌های فیزیکی (زمین، باغ، مسکن، وسیله نقلیه) کسب‌وکار - درآمد
	ضعف سرمایه انسانی	مهارت، تخصص، سواد و آموزش رسمی، آشنایی با محیط شهری، سلامتی جسم و بدن
	شرایط نامساعد اقتصادی	ماشینی شدن و مکانیزه شدن تولید و خدمات، تحریم‌های اقتصادی، بیماری همه‌گیر کرونا، حضور اتباع خارجی در بازار کار
	شرایط نامساعد اشتغال	انواع آسیب‌دیدگی جسمی، انواع آسیب‌دیدگی روانی، فقدان حمایت‌های اجتماعی و قانونی، استثمار و بهره‌کشی (ساعات کار طولانی‌مدت با درآمد ثابت، کار طاقت‌فرسا و دستمزد اندک، عدم پرداخت دستمزد به‌موقع، عدم پرداخت کامل دستمزد توافق شده و تخلف کارفرمایان از مفاد قرارداد)

ضعف سرمایه اقتصادی

مشارکت‌کنندگان ضعف سرمایه اقتصادی را عامل طرد خود از بازار کار دانسته‌اند. سرمایه اقتصادی شامل خرده مقولات مانند سرمایه مالی (پول نقد، پس‌انداز) دارایی‌ها (زمین، خانه، مغازه)، درآمد و کسب‌وکار است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق اظهار داشتند که سرمایه اقتصادی قابل‌اعتنایی برای حضور در بازار کار نداشتند و بیکاری مزمن روستایی منجر به مهاجرت آنان در گذشته به شهر و اسکان در محلات فقیرنشین حاشیه شهرها شده است. این یافته نشان می‌دهد که پدیده فقر در شهر تهران تا حدود زیادی تداوم فقر روستایی است. بر اساس مشاهدات تحقیق، همان‌گونه که فقدان سرمایه اقتصادی کافی موجب ترک زادگاه و مهاجرت مشارکت‌کنندگان به شهر شده، در بازار کار شهری نیز عامل طرد از بازار کار بوده است. در واقع این دسته مهاجران طرد مضاعفی را تجربه کرده‌اند. طرد از زادگاه خود و طرد از جامعه شهری.

«کسی می‌تونه شهرستان زندگی کنه که یا سرمایه داشته باشه یا مغازه یا کارمند باشه اونجا نه کار داشتیم نه سرمایه؛ تهران هم اومدیم شکست خوردیم» (زن ۶۰ ساله)
«از لحاظ زندگی در روستا هم وضعمون همین‌طور بود و مشکل داشتیم نه زمین داشتیم و نه کار درست و حسابی اینجا هم فقیریم» (زن ۲۵ ساله)

در میان سرمایه‌ها اقتصادی، زمین نقش محوری و اصلی در قشر بندی جامعه روستایی داشته است. مطالعات نشان می‌دهد دهقانان خرده‌پا و فاقد زمین در زمره اقشار آسیب‌پذیر هستند (از کیا، ۱۳۸۱: ۳۰). فقدان زمین کافی برای کشاورزی و امرار معاش و از طرفی دیگر تعدد فرزندان از دیگر دلایل آسیب‌پذیری معیشت عنوان شده است:

ما ۱۱ بچه بودیم هفت تا برادر و چهار تا خواهر زمین کوچکی از بابامون به ارث رسیده بود چیزی نداشتیم که روش کار کنیم (مرد، ۶۰ ساله)

بیکاری و نداشتن درآمد در روستا در گذشته از دلایلی بود که غالباً توسط مشارکت‌کنندگان به‌عنوان دلیل مهاجرت به شهر تهران ذکر شده است. این مسئله عدم تعادل بین روستا و شهر را نشان می‌دهد.

بعد از ازدواج، پدرشوهرم گفت اینجا وانسین فایده نداره کار نیست برید تهران اینجا هم که اومدیم کاری که کار باشه و درآمدی که درآمد باشه نداشتیم (زن ۵۵ ساله)

ضعف سرمایه‌های انسانی

سرمایه انسانی در رویکرد توسعه انسانی اهمیت محوری دارد و این مفهوم در رویکرد فقر قابلیتی توسط امارتیا سن (۲۰۰۰) نیز اهمیت زیادی دارد. در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مهارت و تخصص عاملی مهم برای تفاوت‌های طبقاتی است. گیدنز معتقد بود که در نظام سرمایه‌داری علاوه بر ابزار تولید و کار کارگران که در نظریه مارکس عامل اختلاف طبقاتی در نظر گرفته شده، مهارت و تحصیلات نیز حق‌سومی است که شکل‌دهنده ساخت طبقاتی جوامع امروزی است (لهسانی زاده، ۱۳۷۷: ۷۴). سرمایه‌انسانی دارای ابعادی از قبیل آموزش (تحصیلات)، مهارت (تخصص)، بهداشت (سلامت) و تجربه است. که هر

یک با ارتقای نیروی کار، سبب انباشت سرمایه انسانی و متعاقب آن، افزایش رشد اقتصادی می‌شود. در تحقیق حاضر، مشارکت کنندگان ضعف سرمایه‌های انسانی خود مانند مهارت، تخصص، آموزش رسمی و سلامتی جسم و بدن را از عوامل مؤثر بر طرد خود از بازار کار عنوان کرده‌اند.

شوهرم تنها کاری که می‌تونه انجام بده کارگری ساختمونه اونم ساعت ۷ صبح باید بره تا ۵ بعد از ظهر اونم معلوم نیست کار گیرش بید یا نیاد (زن، ۲۵ ساله)
هر جا میریم برای کار می‌گن شما سواد نداری چیزی بلد نیستی الان نگهبانی هم می‌گن باید سواد داشته باشی (مرد ۵۷ ساله)

در این میان سرمایه جسمی (سلامتی جسم و بدن) در بیشتر مواقع تنها و مهم‌ترین سرمایه فقرای شهری برای عرضه در بازار کار بوده است. مشارکت کنندگان جسمی سالم و قوی داشتن را از عوامل مؤثر بر جذب خود در بازار کار دانسته‌اند. از نظر آنان ضعف جسمانی، معلولیت، بیماری‌های زمینه‌ای و ارثی منجر به طرد از بازار کار شده است. به خاطر مشکل جسمی (لکنت زبان) که داشتم خیلی جاه‌ها قبول نکردند برم سرکار (مرد ۳۷ سال)

وقتی متوجه شدم یک طرف بدنم درد می‌کند کار در قطعه‌سازی خودرو را رها کردم کلیه‌ام پیوندیه و نباید یک جا بنشینم کلیه‌ام دفع پروتئین دارد (زن ۲۵ ساله)

شرایط نامساعد اقتصادی

من‌ظور از شرایط نامساعد اقتصادی انواع مخاطراتی است که نظام اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شرایط بعضاً خارج از سیستم اقتصادی است، مانند بیماری‌های همه‌گیر و ناآرامی‌های سیاسی و برخی ناشی از کج کارکردی‌های نظام اقتصادی است. مفهوم متداول در علم اقتصاد برای نشان دادن قابلیت انعطاف و پایداری تاب‌آوری اقتصادی است (طاهرپور، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در مقابل آسیب‌پذیری به حالتی گفته می‌شود که در آن به دلیل وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی، فرآیند توسعه اقتصادی یک کشور عقب بیافتد.

در ادبیات توسعه اصطلاح آسیب‌پذیری به معنای فقدان تأمین در برابر پیشامدهای احتمالی تعریف شده است. این پیشامدها شامل رسوم اجتماعی، بلایای آسمانی، ناتوانی‌های جسمانی، هزینه‌های بی‌بازگشت و استثمار (چمبرز، ۱۳۷۶: ۱۳۴) و روندهای بحرانی مانند مسائل جمعیتی، زیست‌محیطی، اقتصادی، حاکمیتی و فناوری است (Serrat, 2017: 23). در مطالعه حاضر مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که مشاغل فقرای شهری به میزان زیادی متأثر از این شرایط بوده است، به گونه‌ای که موجب تعطیلی کسب‌وکار آنان و بروز مشکلات متعددی برای آنان شده است. این مقوله طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان، شامل مواردی مانند مکانیزه شدن تولید و خدمات، تحریم‌های اقتصادی، اپیدمی کرونا و حضور اتباع خارجی است.

مکانیزه شدن تولید و ارائه خدمات

تحولات و تغییرات بازار کار نقش تعیین‌کننده‌ای در رونق یا از رونق افتادن برخی مشاغل از نظر مشارکت‌کنندگان داشته است. مکانیزه شدن برخی از مشاغل خود باعث خروج نیروی انسانی از بازار کار شده است.

قبلن تو بازار کار رفوگری فرش انجام می‌دادم که چون بازار فرش کساد شد کار ما هم از رونق افتاد و نتوانستم ادامه بدهم و بیشتر مواقع بیکار بودم (مرد ۳۶ سال).

قبلن تو یه نانوائی سنتی نان کار می‌کردم که صاحب‌کارش عوض شد صاحب‌کار جدید هم نانوائی ماشینی راه انداخت دیگه به ما نیازی نبود ما هم بیکار شدیم (مرد ۵۲ ساله)

در اینجا مشاهده می‌شود که ماشینی شدن بیشترین تأثیر را بر نیروی کار ساده و فاقد مهارت داشته است. از آنجا که اغلب مشارکت‌کنندگان فاقد مهارت و تخصص لازم بوده‌اند، هرگونه دگرگونی در تکنولوژی تولید و ارائه خدمات موجب خروج آنان از بازار کار شده است.

تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی از جمله شرایط نامساعدی بوده که در سال‌های اخیر بر نظام اقتصادی ایران وارد شده است. تحریم‌ها به‌خصوص بسیاری از مشاغل فقرای شهری تحت تأثیر قرار داده است. مشارکت‌کنندگان تأثیر این شرایط را در کاهش ساعات کار، تعدیل نیرو و تعطیلی شرکت‌ها و بیکاری نیروی کار بیان کرده‌اند.

شرکتمان تا پارسال ۶۰۰۰ نیرو داشت الآن کل نیروهاش شده ۹۰۰ نفر خیلی از شرکت‌های تابعه‌اش بسته شدند به خاطر همین تحریم‌ها (مرد ۶۲ ساله)
از موقعی که تحریم‌ها زیاد شده خیلی کار تو شرکت ما کم شده مواد اولیه گیر نمیاد. مسئول ما هم بهمون گفته می‌خواید برید برید می‌خواید بمونید من تصمیم نمی‌کنم به موقع حقوقتون بدم اگر فروختم درآمد داشتم بهتون دستمزد می‌دم. آخرش هم میاد ۵۰۰ هزار تومان نصفه‌های برج به مون می‌ده (مرد ۳۵ سال)

بیماری همه‌گیر (کرونا)

اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد بیماری همه‌گیر کرونا بر مشاغل آنان تأثیر زیادی داشته است. با توجه به اینکه مشاغل فقرای شهری اغلب در بخش‌های خدماتی سطح پائین و در محیط‌های پرازدحام و شخصی است، شیوع اپیدمی کرونا تأثیر زیادی بر کسب و کار آنها داشته است. برخی از این مشاغل که آسیب‌های زیادی دیده شامل مشاغل خدماتی مانند کار در خانه، کار در رستوران و تالارها و غیره است. در مجموع تأثیر کرونا بر مشاغل فقرا از ابعاد متعدد قابل ملاحظه است، از جمله تأثیری که از بعد کلان اقتصاد و به‌طور غیرمستقیم بر کسادی تقاضا برای برخی کالاها و خدمات داشته و همچنین تأثیری که به‌طور مستقیم بر مشاغل خرد فقرای شهری دارد. آن‌گونه که مشارکت‌کنندگان مطرح کردند تعطیلی برخی مشاغل در اثر کرونا به بروز مشکلات حاد معیشتی منجر شده است.
کرونا که اوامد رستوران محل کار شوهرم را چند ماه تعطیل کردند و شوهرم بیکار شد و ما موندم چه کار کنیم چی بخوریم. شوهرم من رو فرستاد شهرستان پیش خانواده‌ام

حداقل اونجا خورد و خوراکی داشته باشم (زن ۲۵ ساله)
پسرم تو تولیدی کفاشی کار می‌کنه الان کرونا اومده بیکار شده (زن ۶۰ ساله)
الآن خودم بیکارم به خاطر کرونا کار بهم نمی‌دهند. قبلن خونه‌ها می‌رفتم برای کار
اونجا هم به خاطر کرونا قبول نمی‌کنند می‌ترسند کرونا بگیرند (زن ۴۵ ساله)
تا پارسال که کرونا نبود خونه‌ها کار می‌کردم فرش می‌شستم پله تمیز می‌کردم الان
که دیگه کسی خونه‌اش راه نمی‌ده می‌ترسند کرونا بگیرند (زن ۳۷ ساله)
الآن به خاطر کرونا کارهای خانگی خیلی کم شده زنگ می‌زنیم می‌گن کار نداریم
(زن ۲۰ ساله)

حضور اتباع خارجی در بازار کار

حضور اتباع خارجی و عمدتاً تبعه افغانستان در بازار کار ایران تأثیر قابل توجهی بر بازار کار پرتلاطم جامعه ایران داشته است. پرداخت دستمزدهای پائین تر به همراه عدم پرداخت مالیات، حق بیمه، اضافه کار سبب شده است برخی کارفرمایان ترغیب به استفاده از این نوع کارگران شوند (میر فلاح و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۷). یافته‌های تحقیق از نارضایتی برخی مشارکت کنندگان از حضور اتباع خارجی در بازار کار و اشغال فرصت‌های کاری توسط آنان حکایت داشت. برخی مشارکت کنندگان این عامل را به عنوان تحدیدی برای فرصت‌های کاری خود تلقی کرده‌اند:

الآن شهر پر شده از افغانی همه کارها را گرفتند دیگه کسی به ما کار می‌ده افغانی‌ها
همه کارها را گرفته‌اند (مرد ۴۵ ساله)
هر جا نگاه می‌کنی افغانی‌ها هستند کار برای ما نمی‌مونه (مرد ۳۸ سال)

شرایط نامساعد اشتغال

منظور از شرایط نامساعد کار، محیط کاری و نوع کار فقرای شهری است. مشارکت کنندگان در تحقیق شرایط نامساعد کار و اشتغال را از جنبه‌های متعدد باعث طرد

و آسیب‌پذیری و خروج خود از بازار کار دانسته‌اند. این مقوله خود دارای مفاهیم و خرده مقولات متعددی از جمله: آسیب‌دیدگی جسمی، آسیب‌دیدگی روانی، استعمار و بهره‌کشی، درآمد اندک، فقدان حمایت‌های اجتماعی بوده است.

آسیب‌دیدگی جسمی

مشاغل فقرای شهری اغلب یدی و در معرض انواع آسیب‌دیدگی‌های جسمی و روانی است. مشاهدات نشان می‌دهد که با آسیب جسمی تنها سرمایه و درآمد آنان از بین رفته و در شرایط فقر مطلق قرار گرفته‌اند. برای مثال کارگران ساختمانی در معرض پرت شدن از ساختمان و آسیب‌های شدید جسمی هستند. اشغال جمع‌کن‌ها در معرض انواع آلودگی‌ها در اثر تماس با زباله هستند. مشارکت‌کنندگان روایت‌های متعددی را از آسیب‌دیدگی جسمی خود حین کار نقل کرده‌اند:

۱۵ سال نونوایی کارگری کردم تا اینکه هر دو پام عفونت کرد و خانه‌نشین شدم تو کار نونوایی سرپا وایسادن زیاده (مرد ۴۰ ساله)
تو کارخانه شیمیایی کار می‌کردم که به خاطر محیط کاری خیلی آلوده مریض شدم و چند بار بستری شدم آخرش به خاطر سختی شرایط کار زودتر از موعد بعد از ۱۶ سال بازنشست شدم (مرد ۵۷ سال)
شوهرم کارش جمع‌آوری زباله بود. در سن پنجاه‌سالگی به خاطر تماس با آلودگی به سختی مریض شد و فوت کرد (زن ۶۰ ساله)

آسیب‌دیدگی روانی

همچنین مشارکت‌کنندگان از انواع آسیب‌دیدگی روانی خود حکایت کردند. شرایط نامساعد روانی کار شامل انواع توهین، تحقیر، تهدید و ترس از اخراج بوده است. آسیب‌دیدگی روانی خود ناشی از نوع مشاغل موقت و آسیب‌پذیر در مقابل شوک‌های

اقتصادی است که بعضاً منجر به آسیب دیدگی روانی افراد و خروج آنها از بازار کار شده است:

در تهران شوهرم در شرکت خصوصی کار می کرد که شرکت ورشکست شد از اونجا بیرون اومد بعد ناراحتی اعصاب گرفت دیگه خوب نشد روانپزشک هم بردیم اون هم گفت فکر و خیال کرده این طور شده (زن ۶۵ سال)

درآمد اندک

درآمد اندک و ناکافی برای جبران هزینه های زندگی و تأمین نیازهای اولیه در شهر از مواردی بوده که منجر به آسیب پذیری و خروج افراد از بازار کار شده است. درآمد اندک موجب عدم تأمین نیازهای اولیه افراد می شود و از این طریق بر سلامتی جسم و روان افراد تأثیر داشته است. همه مشارکت کنندگان درآمد خود را در مقابل هزینه های بالای زندگی در شهر کافی نمی دانستند. این هزینه ها شامل انواع هزینه ها شامل نیازهای اولیه رسومات اجتماعی و بیمه ها و تأمین اجتماعی می شود.

کارمان کار نیست درآمدمان پائین است ۲۹ سال دارم کار می کنم ۲/۳۰۰ میلیون حقوق دارم ۹۵۰ تومان اجاره می دم (مرد ۵۹ ساله)

پسرم ۲۲ سالشه تو شرکت پگاه کارگری می کنه گفت اگر بخوام خودم را بیمه کنم ماهی ۷۰۰ هزار تومان از حسابت کسر می شه چی گیرم میاد که مادر خواهرم بخورند (زن ۴۹ ساله)

همچنین در برخی موارد دیده شد که افراد به دلیل درآمد اندک و شرایط دشوار کار افراد حاضر به استخدام نبوده اند:

بالاخره تونستم به کار تو شرکت حمل و نقل پیدا کنم به خاطر درآمد و شرایط سخت کاری اونجا گفتم بیکار باشم بهتره نرفتم (مرد ۳۴ ساله)

فقدان حمایت‌های اجتماعی

حمایت‌های اجتماعی را در یک تقسیم‌بندی به حمایت‌های رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. حمایت‌های رسمی به آن دسته حمایت‌هایی گفته می‌شود که توسط سازمان‌های رسمی اعمال می‌شود مانند انواع بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های قانونی توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی. حمایت‌های غیررسمی به اشکال متعدد نهادهای غیررسمی مانند حمایت‌هایی خانوادگی و خویشاوندی و همسایگی گفته می‌شود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق فقدان حمایت‌های اجتماعی رسمی مانند بیمه‌های اجتماعی را با توجه به مخاطرات فراوان شغلی موجب خروج خود از بازار کار عنوان کرده‌اند.

شوهرم چند ماه در کارخانه شن و ماسه کار می‌کرد که چون بیمه برایش رد نمی‌کردند

اومد بیرون (زن ۲۵ سال)

همچنین، برخی قوانین نیز بر عدم پوشش بیمه‌ای مشارکت‌کنندگان تأثیر داشته است. این مشکل در مورد فقرای شهری به‌ویژه در صورت ابتلا به بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج منجر به فشار معیشتی مضاعف بر آنان شده است.

پسر ۱۹ ساله مریض شده عصب پاش آسیب دیده شرکت هم بیمه نمی‌کنه می‌گن

طبق قانون پسر بالای ۱۸ سال تحت تکفل پدر نیست آزاد هم بخوام بیمه‌اش کنم هزینه‌اش

خیلی زیاده نمی‌تونم (مرد ۶۲ سال)

اظهارات مشارکت‌کنندگان همچنین نشان می‌دهد که کارفرمایان با روش‌های مختلف از جمله فریب و نیرنگ بیمه کردن کارگران خود امتناع کرده‌اند.

بعد از اینکه پام به این وضع افتاد رفتم بیمارستان نگاه کردند گفتند شما تولید بیمه

نیستی بیمه نداری. صاحب کار الکی یه مهر درست کرده بود گفت دفترچه‌ات می‌زنم

تمدید می‌کنم (مرد ۵۵ ساله)

استثمار

استثمار از وجوه مشخص کار در نظام سرمایه‌داری از دیدگاه مارکس محسوب می‌شود. در این دیدگاه، استثمار از طریق دریافت ارزش‌افزوده ناشی از کار اضافی

تحلیل تجربه زیسته فقرای شهری...، از کیا و موسوی | ۲۵

کارگران توسط سرمایه‌داران صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که موجب افزایش سود و فاصله طبقاتی می‌شود (آرون، ۱۳۷۲: ۱۷۱). مفاهیم این دسته را می‌توان در یک مقوله‌بندی به‌عنوان استثمار و بهره‌کشی قرارداد. اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد، استثمار به روش‌های مختلف توسط کارفرمایان اعمال شده است، مانند ساعات کار طولانی‌مدت با درآمد ثابت، کار طاقت‌فرسا و دستمزد اندک، عدم پرداخت دستمزد به‌موقع، عدم پرداخت کامل دستمزد توافق شده و تخلف کارفرمایان از مفاد قرارداد. بوده است.

شش ماه افزایش حقوق سالیانه ما را به خاطر تغییر پیمانکار نمی‌دهند (مرد ۳۷ ساله)
خونه‌ها میرم نظافت می‌کنم بعضی وقت‌ها برای گرفتن پول از مشتری‌ها مشکل دارم و پولم را به‌طور کامل نمی‌دهند (زن ۴۲ ساله)
در ماه فقط ماهی دو روز مرخصی داریم حتی پنجشنبه جمعه‌ها و روزهای تعطیل حتی روز عاشورا هم باید بریم سرکار هیچ مبلغی هم بابت اضافه‌کاری به نمی‌دهند (مرد ۵۱ ساله)

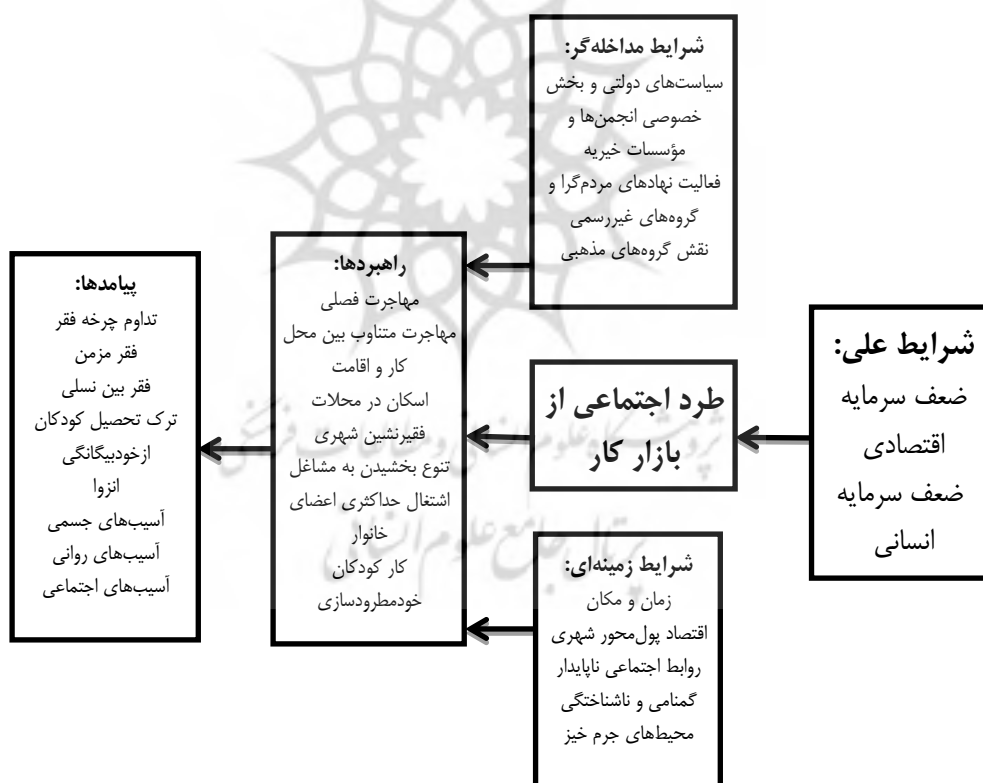
تخلف از مفاد قرارداد نیز از موارد مطرح شده توسط مشارکت‌کنندگان بوده است. آن‌ها اظهار داشتند با وجودی که قرارداد مکتوب بین آنها و کارفرما منعقد شده بود، اما برخی کارفرمایان از مفاد قرارداد تخلفی نموده و ساعات کاری بیشتری را بر آنان تحمیل کرده‌اند:

خانمم را فرستادم کارخانه... بره سرکار منم باید رضایت می‌دادم قراردادی که بین ما و شرکت امضا شد با روزی هشت ساعت قرار بود ۷۰۰ هزار تومان بهش بدهند ولی بعد که رفت سرکار ساعت کارش طولانی‌تر شد روزی ده ساعت نگهش داشتند برای کار با همون دستمزد (مرد ۴۲ ساله).
در برخی موارد نیز فقدان تخصص و مهارت مستمسکی برای عدم پرداخت کامل دستمزد افراد توسط صاحبکاران در بازار کار شده بود.

شوهرم صبح ساعت ۷ می‌ره میدون برای کار تا ۵ بعد از ظهر که کارگری می‌کنه روزی ۱۰۰ هزار تومان بهش می‌دهند بعضی وقتها همون هم نمی‌دهند تا چیزی می‌گه میگن تو کارگر ساده‌ای تو حرف نزن همون ۱۰۰ هزار تومان هم با هزار زور باید بگیره (زن ۳۱ ساله)

مدل پارادایمی تحقیق

مدل پارادایمی تحقیق بر اساس پنج بعد شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها و پیامدها تنظیم شده است که در تحقیق حاضر شرایط علی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در شکل زیر برای ارائه تصویری کلی‌تر از تحقیق مدل پارادایمی ارائه می‌شود. در مدل پارادایمی تحقیق، مقوله مرکزی، طرد از بازار کار است. این مقوله متصل‌کننده مفاهیم و مقولاتی است که ابعاد تجربیات زیسته فقرای شهری را نشان می‌دهد. شرایط علی طرد فقرای شهری از بازار کار شامل چهار مقوله اصلی ۱. ضعف سرمایه مالی و اقتصادی، ۲. ضعف سرمایه انسانی ۳. شرایط نامساعد اقتصادی و ۴. شرایط نامساعد کار می‌شود.



مدل پارادایمی طرد اجتماعی از بازار کار

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طرد از بازار کار یکی از ابعاد مهم فقر و طرد اجتماعی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فقرای شهری با انواع طرد اجتماعی از بازار کار مواجه بوده‌اند و این عامل سبب شده است که آنان نتوانند در جامعه شهری ادغام شوند و به ایفای نقشی فعال و مشارکت در زندگی اجتماعی به‌عنوان یک شهروند بپردازند. طرد اجتماعی صرفاً به محیط‌های خرد منحصر نمی‌شود، بلکه به محیط‌ها و ساخت‌های کلان هم مرتبط است. با مطالعه محیط‌های خرد از طریق تحقیقات کیفی جزءنگر، تأثیر فرایندهای کلان را نیز می‌توان مشاهده کرد. در بُعد کلان نوع توسعه به‌کاررفته و روند شهرنشینی سریع موجب مهاجرت گسترده روستائیان فقیر فاقد زمین و کار به شهرها شده است به‌گونه‌ای که بازار کار شهری را با فشار مضاعفی روبرو کرده است. شهرنشینی شتابان و عدم زیرساخت‌های مناسب و فرصت‌های ناکافی کار و اشتغال سبب شده بسیاری از مهاجران به شهرها در وضعیت فقر معیشتی قرار گیرند به‌گونه‌ای که با گذشت بیش از یک نسل همچنان فقر و طرد اجتماعی را در زیست روزمره خود تجربه کنند.

اشتغال و معیشت تهیدستان شهری اغلب با ویژگی‌هایی از قبیل غیررسمی، موقتی، کاذب، خدماتی سطح پائین، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات و درآمد اندک توصیف شده است. یکی از وجوه مهم کار و اشتغال فقرای شهری غیررسمی بودن است. در این خصوص باید گفت، بازار کار غیررسمی گسترده در شهر تهران و از طرفی دیگر بیکاری گسترده در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور زمینه جذب خیل عظیم روستائیان تهیدست را فراهم کرده است. با این وجود تهیدستان شهری انواع طرد و آسیب‌پذیری را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. و زندگی در شهر در بسیاری از مواقع موجب رهایی آنان از فقر و تنگدستی نشده است.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد بسیاری از فقرای شهری ساکن در محلات و مناطق مورد مطالعه دارای پیشینه فقر روستایی بوده‌اند و برای رهایی از فقر، در سال‌های دور و نزدیک به تهران مهاجرت کرده‌اند. اسکان در مناطق متراکم با بافت فرسوده و مسکن ارزان‌قیمت‌تر نسبت به مناطق توسعه‌یافته‌تر شهری، از راهبردهای ناگزیر آنان در گذشته و

حال بوده است. مهاجران وارد شده به شهر با سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی متفاوت با امید بهبود معیشت خود رنج اقامت در شهر را به جان خریده‌اند و چه‌بسا در این راه شکست‌خورده یا پیروز از میدان بیرون آمده‌اند.

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، چهار مقوله عمده به‌عنوان شرایط علی در طرد فقرای شهری از بازار کار تأثیر داشته‌اند این مقولات شامل ضعف سرمایه‌های اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال است. در این میان بارزترین وجه فقر، فقر سرمایه‌های اقتصادی است. عاملی دیگر، ضعف سرمایه انسانی است. از آنجاکه بسیاری از فقرا شهری فاقد مهارت و تخصص متناسب با نیازهای بازار کار شهری بوده‌اند، نتوانسته‌اند در بازار کار جذب شوند و شرایط طرد از بازار کار را تجربه کرده‌اند. عمده‌ترین سرمایه انسانی تهیدستان سرمایه جسمی بوده که در شرایط مخاطره‌آمیز محیط کار بسیار آسیب‌پذیر بوده است و با آسیب به این سرمایه، افراد تنها سرمایه قابل‌عرضه به بازار کار را ازدست‌داده و ناچار به طرد از بازار کار شده‌اند.

در ابعادی دیگر کار و اشتغال فقرا شهری بسیار متأثر از مخاطرات محیط کلان اقتصادی است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد، مشاغل فقرا شهری در مقابل شوک‌های وارده به نظام اقتصادی به‌شدت آسیب‌پذیر بوده است، به‌گونه‌ای که منجر به تعطیلی کسب‌وکارهای آن‌ها شده است. بسیاری از این مشاغل از جمله مشاغل خانگی که ممر درآمد بسیاری از زنان خانوارهای تهیدست شهری است، در اثر پیشامدهایی مانند بیماری کرونا در معرض تعطیلی واقع شده‌اند. با تعطیلی این مشاغل آنها از تنها ممر درآمد محروم شده و سلسله‌ای از بحران‌های معیشتی و خانوادگی برای آنان پیش آمده است.

در ادبیات توسعه مفهوم متداول برای نشان دادن میزان ناپایداری و در معرض خطر بودن معیشت فقرا شهری، آسیب‌پذیری است، با این وجود آسیب‌پذیری چندان گویای علل مناسبات ناعادلانه و ساختاری منجر به بیکاری آشکار و پنهان تهیدستان شهری نیست. از این رو طرد اجتماعی از بازار کار اصطلاح مناسب‌تری به نظر می‌آید. از این رو افزایش بیکاری و گسترش فقر در جوامع جدید موجب شده تا مفهوم طرد اجتماعی به‌طور گسترده‌تری برای تحلیل فرایندهای فروپاشی و شرایط ناامنی اجتماعی به کار گرفته شود.

پیشنهادهای تحقیق

با وجودی که مطالعات متعددی درباره فقر صورت گرفته است، اما همچنان فقر مطالعاتی در این خصوص دیده می‌شود. به نظر می‌رسد، پژوهش درباره حیات تهیدستان شهری در ایران در بسیاری سطوح با فقر مطالعاتی و غفلت نظری روبرو است. مطالعه در زمینه‌هایی مانند قومیت و جنسیت، اشتغال در بازار کار در ایران بسیار محدود بوده است. مطالعه حاضر که در خصوص تجربه زیسته فقرای شهری از طرد اجتماعی در بازار کار انجام شده، تلاشی است برای شناخت ابعاد گسترده و درهم‌تنیده فقر و طرد اجتماعی است. پیشنهاد می‌شود با انجام مطالعه کیفی و کمی در هر یک از ابعاد خاص زندگی روزمره فقرای شهری شناخت بیشتری حاصل شود. ابعادی مانند اشغال، بهداشت و درمان، مسکن و اشتغال و مهاجرت می‌تواند مورد مذاقه بیشتر قرار گیرد. مطالعه فقر از بعد نظری بخشی از روندها، کاستی‌ها و آسیب‌های توسعه را در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد و از بعد سیاست‌گذاری توانایی تصمیم‌گیران، مدیران، فعالان اجتماعی، سازمان‌های خیریه و نهادهای امدادرسان را برای اقدام مؤثرتر برای کاهش فقر بیشتر می‌کند.

از آنجا که مشاغل فقرای شهری در شرایط ناپایدار و آسیب‌پذیر در مقابل انواع مخاطرات اقتصادی و محیط کار است، حمایت‌های اجتماعی از آنان بیشتر اهمیت می‌یابد. بر اساس مطالعه حاضر آسیب‌دیدگی جسمی و روانی در محیط‌های کاری پرخطر موجب خروج افراد از بازار کار و فقر مطلق خانوارهای تهیدست شده است، بنابراین ضروری است اشکال مختلف حمایت‌های اجتماعی رسمی مانند بیمه‌های درمانی، بیکاری و بازنشستگی حتی در مورد مشاغل موقت و غیررسمی گسترش یابد. تقویت بیمه‌های اجتماعی و الزام کارفرمایان و شرکت‌ها به پوشش‌های بیمه‌ای نیروی کار خود، فرهنگ‌سازی در جهت اشاعه بیمه‌ها، پائین آوردن نرخ بیمه و تنوع بخشیدن به خدمات بیمه‌ای متناسب با سطوح مختلف درآمدی از راهکارهای پیشنهاد شده در این میان است.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۲)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱)، «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه، مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰: ۲۹-۵۲.
- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز. (۱۳۹۶)، *روش‌های پژوهشی کیفی از نظریه تا عمل*، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۶)، «آلونک‌نشینی در تهران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، اسفند ۱۳۶۶، شماره ۱۷: ۴۶-۴۷.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۲۷-۴۷.
- پورتال مناطق شهرداری تهران. (۱۳۹۹)، به نشانی: <https://www.tehran.ir>
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول.
- جواهری پور، مهرداد. (۱۳۹۴)، «محلله‌های فرودست شهری و حق به شهر مورد پژوهی محله خاک سفید شهر تهران»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۵، شماره ۲: ۱۶-۱۸۲.
- چمبرز، رابرت. (۱۳۷۶)، *توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا*، ترجمه: مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- زارع، بیژن. (۱۳۸۹)، *تحولات جمعیتی شهر تهران در یک‌صد سال اخیر*، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران: موسسه نشر شهر.
- زاهدی، محمدجواد؛ انصاری، ابراهیم؛ ملکی، امیر و حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۴)، «سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلان‌شهر اصفهان»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۷: ۱۵۹-۹۰.
- زاهدی، محمدجواد؛ دانش، پروانه؛ راد، فیروز و مجرب قوشچی، رضا. (۱۳۹۶)، «طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری (مطالعه موردی زنان فقیر شهری تحت عنوان پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان ارومیه)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۵، شماره ۳: ۲۹۱-۳۱۰.

- شالچی، سمیه و قلی‌پور، صفیه. (۱۳۹۷)، «طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی»، (مجله اسلام‌آباد تهران، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم، شماره ۲۷: ۱-۳۱).
- صادقی؛ علیرضا. (۱۳۹۸)، زندگی روزمره تهیدستان شهری، تهران: انتشارات آگاه، چاپ یکم.
- صادقی، رسول و زنجری، نسیم. (۱۳۹۶)، «الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶: ۱۴۹-۱۸۴.
- طاهرپور، جواد. (۱۳۹۷)، «تأثیرپذیری بهره‌وری نیروی کار از تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی»، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۱: ۱۹۷-۲۲۷.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا. (۱۳۸۹)، «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروودیت اجتماعی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۶۶-۳۶۴.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۷)، «رشد تحولات جمعیت شهر تهران از گذشته تا آینده»، دو ماهنامه تحلیلی- پژوهشی آمار، سال ۶، شماره ۱: ۳۲-۳۵.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره، ترجمه: احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، چاپ ششم.
- گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف. (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم) ترجمه: پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران، چاپ اول.
- لوئیس، اسکار. (۱۳۵۳)، «فرهنگ فقر»، ترجمه: سید مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴: ۱۲۴-۱۳۷.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۷)، نابرابری و قشریندی اجتماعی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ دوم.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸)، گزارش تحلیلی: بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت.
- میرفلاح نصیری، سید نعمت‌اله؛ طاهری پور، هما و صباغی، شهلا. (۱۳۹۷)، «سنجش اثر حضور اتباع خارجی در بازار کار کشور»، مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۲۹، شماره ۲: ۲۰۷-۲۲۳.

- ناریان، دیپا؛ چمبرز، رابرت؛ شاه، میراک و پتس، پتی. (۱۳۹۰)، *صدای فقرا، فریاد برای تغییر (پیامدهای توسعه)*، ترجمه: مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور، تهران: شرکت انتشارات کیهان، چاپ اول.

- Amis, Philip. (1995). "Making Sense of Urban Poverty", *Environment and Urbanization*, 7(1), 145-158.
- Giddens Anthony. (2007). *Social Justice and Social Divisions*, Crusky, B, David. (2008). *Social Stratification, Class, Race and Gender in Sociological Perspective*, USA, West view Press.
- Nowosielski, Michal. (2012). "Challenging Urban Exclusion? Theory and Practice". *Polish Sociological Review*, 179(3), 369-383. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-69631-5>.
- Sen, Amartya. (2000). *Social Exclusion: Concept, Application, and Security*, Office of Environment and Social Development Asian Development Bank, June 2000.
- Serrat Olivier. (2017). "The Sustainable Livelihoods Approach". In: *Knowledge Solutions*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-10-0983-9_5.
- Silver, Hilary. (1995). "Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms", In: *International Labour Review*, Vol. 133. 5-6, 531-578.
- Wolf, Jennifer Price. MPH, MSW. (2007). Sociological Theories of Poverty in Urban America, *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 16:1-2, 41-56, DOI:10.1300/J137v16n01_04.
- Wratten, Ellen. (1995). "Conceptualizing urban poverty", *Sage Journalsblog*: <https://doi.org/10.1177/095624789500700118>.
- Worldbank (2020). <https://www.worldbank.org/en/topic/urbandevelopment/overview>.